

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۸ اپریل ۲۰۰۹

سپاه ادب

ای هموطن بخیز و ، خرد را شعار کن
اندیشه کرده ، راه نوی اختیار کن
حرف دروغ طالب و از رهبران مفت
نشنیده کار خویش به منطق عیار کن
بر ناعقین تاجر و بقال دین فروش
نفرین فرست و ، لعنت حق را نثار کن
از چنگ پاچه گیر و گریبان دران دهر
تا میتوانی زود گریز و ، فرار کن
خود جست و جو نموده برو راه مستقیم
نه پیروی ز چادر و ، لنگی غار کن
از کرگسان لاشه خور زاده خطا
روز هزار شکوه به پروردگار کن
آن (گلبدین) جانی و راکتپران را
با اشک و آه بیوه زنان ، سر به دار کن
بر خائن ستمگر و خونخوار بدکنش
شعری سرا و ریشک او ، تار تار کن

در انتخابِ کرسیِ جمهوریِ وطن
غور و مُدَاقَه های بسیِ بیشمار کن
کرزی! دگر بس است به مادر وطن جفا
ترس از خدا و ، بیمی ز روزِ شمار کن
تنه‌ایگانه راهِ نجاتست ، مر ترا
شرم و حیا نموده برو ، انتحار کن
گر ذره ای شهامت و غیرت بُود ترا
با بانَدِ مافیا و برادرِ فرار کن
یارب ، به ذاتِ پاک و ، به پروردگاریت
صلح و صفا ، به میهنِ ما برقرار کن
هر آنکه است ، لایق و شایسته تر ز کل
جمهورِ ناس سازش و ، تدبیرِ کار کن
تا ریشه کن شود ز جهان جنگ و دشمنی
آیاتِ صلح و وحدتِ خود آشکار کن
گبر و یهود و هندو و ترسا و این و آن
کل را به صُقعِ واحدِ خود در قطار کن
افغانِ ستانِ میهنِ ویرانه مرا
رشکِ تمامِ کشور و ، شهر و دیار کن
آید اگر جنابِ (بشردوست) در میان
یارب ! موفقش به چنین کار و بار کن
الحق که از میانه مردم ، کشیده سر
عزمِ متین و راسخِ او پایدار کن
فعلاً چو او مُدبّری نبود میانِ ما
او را حفاظت از شرّ اژدار و مار کن
زیرا که اوست ، خادم و فرزندِ راستین
بدخواه او هر آنکه بود ، شرمسار کن
صد پاره گشته سینه مادر وطن ، ورا
مرهمگذارِ زخمِ دلِ بیقرار کن
فرزندِ راستینِ وطن ، باید این چنین

ای ملتِ غیور ، به او افتخار کن
 از بنز و منز صرفِ نظر ، رو پیاده کار
 دفتر ، به زیرِ خیمهٔ پُر افتخار کن
 بگذر ز باغ و ، خانهٔ چون قصرِ دلکشا
 مسکن به کنجِ پارکِ زرنگار کن
 ترکِ محافظین و سگ و بادیگارد ها
 مردانه از میانهٔ مردم ، گذار کن
 یارب ! تو حفظ کرده ، موفق بداردش
 تصمیمِ قاطعانهٔ او استوار کن
 اینست رادِ مردیکه ما را ضرورت است
 درد و بلاش ، بر سرِ هربی وقار کن
 ای هموطن ! بخیز ، که میهن تباه شد
 از نقدِ نظم و نثر ، سلاحی تیار کن
 بالشکر و سپاهِ ادب ، حمله ور به پیش
 فتحِ مدینهٔ دلِ اغیار و یار کن
 هر رهبری که مفسد و جنگِ آفر و شریر
 مشتی به پوز و ، بر دهندش ، وار وار کن
 بر مُحسنی و کرزی و قانونِ زن ستیز
 لعنت فرست و تَف به چنین کار و بار کن
 این قرنِ بیست و یک ، که تساویِ مرد و زن
 اشرار را ز عصرِ حجر ، بر کنار کن
 زن چون گل است و مرد ، چو بلبل به دورِ او
 پس ، نغمه های وحدتِ عالم ، شعار کن
 از طالبانِ دهشت و ، از عالمانِ جهل
 سابون پز و ، ز کاسبی اش احتکار کن
 اینها که جمله مفسد و بی دین و بی خدا
 بینیِ شانرا به دُمِ خر ، مهار کن
 ای وا ، ز زن ستیزی و شلاق و حکمِ شرع
 قانونِ وحشیانه و « دینش » نَظار کن

دیدی صدا و ضربه شلاقِ ناکسان
 بر هفده ساله دخترکِ روزگار کن
 در پیش چشمِ عام ، فتاده بروی خاک
 سنگِ دل آب و ، پرده جان ، پار پار کن
 فریاد و ، آه و ، ناله او سوزدم جگر
 گر دین بُود چنین ، ازو ننگ و عار کن
 جمعی که میگه دین و سیاست، شود یکی
 این ناقصانِ عقله سرِ خر سوار کن
 ترسم رسد زمانی که گویند ، هندوان ،
 باید که ختنه گشته و ، ترکِ دیار کن
 زین دُم بریده ها نبود ، شک ، برادران !
 حتی اگر به خواهر و مادر فشار کن
 این طایفه چو قومِ عَنُود اند و عنکبوت
 هشیار باش و بر گپِ من اعتبار کن
 گر پرده اش دری ، بتند پرده دگر
 یعنی که احتیاط ، ز ملای هار کن
 «نعمت»! نوای عشق و محبت شنید نیست
 ترکِ حدیث و آیه ناپایدار کن

یادداشت پورتال:

از شاعر والامقام، نامور و پرکار وطن ، همکار دائمی، محبوب و بس گرانقدر ما، جناب
 نعمت الله مختارزاده جهانی سپاس داریم که به تقاضای پورتال لبیک گفته و پیوسته اشعار
 آبدار و بی شمار خود را در دسترس ما قرار میدهند که ماهم همه روزه صفحات پورتال
 "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" را با آنها رونق می بخشیم.
 با تمام اخلاص و صمیمیتی که نسبت به جناب مختارزاده داریم، می خواهیم تذکر بدهیم که
 آنچه در مورد کاندیدان انتخابات ریاست جمهوری در قصیده بالا آمده، نظر شخصی خود
 جناب ایشان است، و نه نظر پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان".